

## اصول اساسی برنامه کارگران، برای رهایی و "منشورها"

در جریان چند ماه خیزش انقلابی که تقریباً در سراسر کشور جاری بود در کنار شعارهای سلبی همچون "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر دیکتاتور" و "جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم"، "حکومت بچه کش نمی‌خواهیم" شعارهای ایجابی نیز همچون "نان کار آزادی، پوشش اختیاری"، "سقف و کتاب و گندم، قدرت به دست مردم"، "فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی"، "نان، کار، مسکن، آزادی"، "نه نون داریم نه خونه، حجاب شده بهونه" و ... سرداده شد.

در چنین اوضاعی و در حالی که توده‌های کف خیابان خواست خود مبنی بر دگرگونی کامل سیستم اقتصادی-اجتماعی موجود را در شعار "بهش نگید اعتراض، اسمش شده انقلاب" فریاد می‌زدند، شاهد هستیم که نیروهای سیاسی گوناگون با ارائه "منشور"هایی رؤس برنامه‌های خود برای رسیدن به آزادی مورد نظر خود را در مقابل افکار عمومی به نمایش گذاشته‌اند. با توجه به این امر ضرورت طرح هرچه روشن‌تر رؤس مطالبات طبقه کارگر و راه رسیدن به این مطالبات بیش از پیش در مقابل نیروهای راستین مدافع طبقه کارگر قرار دارد.

واقعیت این است که خواست‌های اقتصادی و سیاسی کارگران از سیستم اقتصادی حاکم بر کشور که شرایط کار و زیست آنها را شکل می‌دهد حاصل می‌گردد. از این رو ضروری است که قبل از هر چیز نظام اقتصادی حاکم بر ایران را روشن نمود که از نظر ما همان‌طور که بارها در آثار سازمانی‌مان تشریح و توضیح داده شده است، نظام سرمایه‌داری می‌باشد، سرمایه‌داری‌ای که به دلیل وابستگی به امپریالیسم اقتصاد کشور را به جزیی ارگانیک از سیستم سرمایه‌داری جهانی بدل نموده است. درک این واقعیت به طور طبیعی وجود طبقات گوناگون را در این نظم روشنی بخشیده و جایگاه آنها را در مبارزه طبقاتی جاری در کشور آشکار می‌سازد.

پذیرش سرمایه‌داری به مثابه نظام حاکم، طبقات کارگر و سرمایه‌دار را به عنوان طبقات اصلی در صنفبندی طبقاتی جامعه آشکار نموده و نشان می‌دهد که همان‌طور که حفظ نظم استثمارگرانه حاکم برای تداوم حیات بورژوازی امری الزامی است، آزادی طبقه کارگر از شرایط ظالمانه حاکم نیز به نابدی این نظم اقتصادی مبتنی بر تقسیم جامعه به طبقات متخاصم وابسته است و همین امر رسالت طبقه کارگر جهت نابدی این نظم و بنا نمودن نظمی نوین را قطعی می‌سازد.

روشن نمودن نظام اقتصادی-سیاسی حاکم به طور طبیعی طبقات تحت ستم و متحدین طبقه کارگر به مثابه طبقه اصلی را در مقابل دید همگان قرار می‌دهد. هم تحلیل طبقاتی جامعه و هم تجربه عینی نشان داده است که دهقانان و اقشار مختلف خرده بورژوازی در جامعه ما متحدین طبقه کارگر در مبارزه با سرمایه‌داری حاکم می‌باشند. به همین دلیل هم در هر برنامه انقلابی توجه به مطالبات این طبقات یک الزام غیر قابل چشم‌پوشی می‌باشد. حال اگر نگاهی به منشورهای منتشر شده بیندازیم خواهیم دید که در برخی از آنها حتی اشاره‌ای هم به دهقانان و خواست‌ها و مطالباتشان وجود ندارد.

در منشورهای منتشر شده علیه سرکوب و دیکتاتوری نوشته شده است. اما این واقعیت که بدون نابدی ارگان‌های سرکوب که حافظ سرمایه‌داری وابسته در ایران هستند، آزادی غیر قابل دسترس است، کتمان گشته است. در حالی که بدون مبارزه برای نابدی این ارگان‌ها خلاصی از شر بورژوازی حاکم بر ایران نیز دست نیافتنی می‌باشد. چرا که عامل اصلی بقای این نظم استثمارگرانه و سرکوبگرانه ارتش و زواید آن مثل سپاه پاسداران و ... می‌باشد. بنابراین هر برنامه‌ای که این واقعیت را مورد تاکید قرار نداده و راه در هم شکستن

ارتش ضد مردمی را آشکار نسازد حتی اگر با زیباترین کلمات هم تزئین شده باشد قادر به هموار کردن راه رسیدن به آزادی نمی‌باشد.

از سوی دیگر از آنجا که سرمایه‌داری وابسته ایران بدون اعمال دیکتاتوری قادر به ادامه حیات نیست، هر برنامه واقعی کارگران باید این واقعیت را در نظر گرفته و راه خلاصی از شر دیکتاتوری عریان را نشان دهد.

واقعیت را بخواهیم عامل اصلی دیکتاتوری و همه فقر و فلاکت و استثمار ستم‌دیدگان و هزاران مصائب ناشی از آن سلطه نظم سرمایه‌داری می‌باشد. لذا بدون نابودی این نظم و ماشین سرکوب حافظش، فقر و فلاکت همراه با دیکتاتوری شدیداً خشن و عریان همچنان در جامعه ایران برقرار خواهد ماند.

با توجه به این واقعیات هر برنامه انقلابی که هدف خود را رهایی کارگران و دیگر ستم‌دیدگان ایران اعلام کرده باشد باید قبل از هر چیز نابودی نظام سرمایه‌داری و رژیم دیکتاتور حافظ آن که در شرایط امروز همانا رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی می‌باشد را در رأس اهداف خود قرار دهد. تنها به شرط نابودی این نظم ظالمانه و رژیم‌های حافظش می‌باشد که کارگران و متحدین‌شان قادر می‌شوند به مطالبات انقلابی خود دست یابند.

واضح است که بر اساس مطالب فوق، هر برنامه و منشوری که به هر دلیلی این شروط اصلی را با صراحت در خود منعکس نکرده باشد، فاقد جوهر یک برنامه انقلابی و در برگیرنده منافع طبقه کارگر بوده، از حد یک برنامه و منشور رفرمیستی فراتر نرفته و به این اعتبار نمی‌تواند از سوی نیروهای چپ و کمونیست مورد تأیید و تبلیغ قرار گیرد.

برای رسیدن به نان و کار و مسکن و آزادی، برای دستیابی به وسیع‌ترین آزادی‌های دمکراتیک برای تمامی اقشار خلق، برای تساوی کامل حقوق زن و مرد و آزادی پوشش، برای تساوی همه خلق‌ها و به رسمیت شناختن حق ملل در تعیین آزادانه سرنوشت خویش و امحا هر گونه نابرابری و ستم، همچنین برخورداری از آزادی داشتن و نداشتن مذهب و از طرف دیگر، برخورداری از بهداشت و آموزش رایگان، لغو باج‌های دولتی و دادن حق آبه و بقیه مطالبات کشاورزان، برای هموار کردن راه رسیدن به جامعه‌ای عاری از ظلم و ستم و زندان و شکنجه و اعدام و آزادی همه زندانیان سیاسی و خلاصه برقراری وضعی که همه مطالبات کارگران و ستم‌دیدگان جامعه در آن متحقق شود، باید قبل از هر چیز در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نابودی نظام سرمایه‌داری حاکم گام برداشت. اساساً، رسیدن به خواسته‌هایی که در بالا ذکر شد بدون قدرت‌گیری طبقه کارگر و متحدینش و بدون یک انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر ناممکن است. شرط پیروزی این انقلاب و برپایی یک جامعه نوین، در گرو نابودی ارتش و زوآندش می‌باشد که خود تنها توسط یک ارتش توده‌ای امکان‌پذیر می‌باشد. ارتش توده‌ای در جریان مبارزه مسلحانه نیروهای پیشرو و توده‌های انقلابی گام به گام در مصاف با ارتش ارتجاعی شکل گرفته و تا آن حد قدرت می‌یابد که امکان نابودی ارتش ضد مردمی را کسب می‌نماید.

واقعیت این است که تنها در بستر یک انقلاب اجتماعی که الزاماً برای رسیدن به پیروزی تحت رهبری طبقه کارگر خواهد بود مردم ما امکان می‌یابند با اتکا به منابع عظیم ثروت طبیعی و انسانی و نیروی کار کشور، جامعه‌ای نوین بر پا سازند و به جایی برسند که در آن به قول مانیفست: "به جای جامعه کهن بورژوازی، با طبقات و تناقضات طبقاتی‌اش، اجتماعی از افراد پدید می‌آید که در آن، تکامل آزادانه‌ی هر فرد شرط تکامل آزادانه‌ی همگان" است.